

طاعون پارسی یا طاعون ابوچفچیر (۱۷۷۲ - ۱۷۷۳ م): پیدایش و پیامدهای آن

رضا کرمی^{*۱}

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران؛ کارشناس پژوهشی مجموعه فرهنگی و موزه تاریخ پزشکی استان همدان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان همدان، همدان، ایران.

چکیده

بیماری‌های همه‌گیر، یکی از عوامل تهدیدکننده جوامع انسانی در گذشته بوده‌اند که از این میان، طاعون بیش از همه موجب مرگ‌ومیر فراوان شده است. بین سال‌های ۱۱۵۱ تا ۱۱۵۲ ش/ ۱۷۷۲ تا ۱۷۷۳ م. در عراق دوره عثمانی، طاعونی مشاهده شد که ضرباتی جبران‌ناپذیر را بر اقتصاد این نواحی وارد آورد و به «طاعون ابوچفچیر و ابوخنجر» مشهور شد. این طاعون در کشورهای کرانه‌ی خلیج فارس و جنوب ایران نیز گسترش پیدا کرد؛ از این رو، در اروپا به طاعون پارسی نیز شهرت یافت. هدف این نوشتار، بررسی اثرات این طاعون بر جوامع بشری و محدوده‌ی فراگیری آن از ابعاد مختلف است. شیوه‌ی مطالعه در این تحقیق، از نوع کتابخانه‌ای است. نگارنده با تکیه بر روش تاریخی، از رویکرد توصیفی تحلیلی بهره جسته است. این پژوهش، با بهره‌گیری از منابع فارسی و عربی و انگلیسی و با مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی داخلی و بایگانی روزنامه‌های بریتانیا و آرشیو دیجیتال کشور قطر که از مهم‌ترین بایگانی‌های خارجی هستند، به انجام رسیده است. بر اساس یافته‌ها، میان‌رودان از جمله کانون‌های مهم انتشار طاعون بوده و طاعون پارسی نیز در این منطقه شایع شده و به کشورهای همسایه نیز انتقال یافته است. نتایج تحقیق نشان داد، نخستین تکاپوهای استفاده از قرنطینه در ایران، در دوره کریم‌خان زند روی داده و برخی اقدامات پیشگیرانه برای اولین بار، در زمان شیوع این طاعون انجام شده است. تجارت‌های فرامنطقه‌ای و عبور کاروان‌های تجاری و زیارتی از این مناطق، بر شیوع این بیماری افزود. این طاعون، روابط سیاسی اقتصادی این مناطق با دیگر کشورها را دستخوش تحول کرد و بحران کاهش شدید جمعیت را در پی داشت.

واژگان کلیدی: ایران، زندیه، طاعون ابوچفچیر یا ابوخنجر، طاعون پارسی، عثمانی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه:

رضا کرمی

آدرس: همدان، بلوار شهید مصیب مجیدی، ابتدای جاده دره مرادیگ، خیابان بدیع الحکماء، مجموعه فرهنگی و موزه تاریخ پزشکی استان همدان

تلفن: ۰۸۱ - ۲۸۳۰۰۶۵۲

Email: r.karami6969@gmail.com

مقدمه

بیماری‌ها از دیرباز تلفات بسیاری را بر جوامع انسانی تحمیل نموده‌اند. ارتباط با گونه‌های جانوری، مناسبات بازرگانی بین جوامع، گسترش شهرها، رشد جمعیت و وقوع جنگ‌ها از عوامل سرایت بیماری‌ها می‌باشند. در گذشته بیماری‌های واگیر از عوامل شایع مرگ و میر و برهم خوردن ترکیب جمعیتی در یک ناحیه بوده‌اند. طاعون از بیماری‌هایی بوده که نفوس زیادی را نابود نموده و در دوره‌های مختلف وجود داشته است. علت فراگیری طاعون را می‌توان در نبود امکانات بهداشتی - درمانی، عدم وجود قرنطینه و بی توجهی دولتمردان نسبت به امراض واگیر در روزگاران قدیم دانست (۱). تحقیق در تاریخ بیماری‌های همه‌گیر از جنبه‌های مهم تاریخ اجتماعی محسوب می‌گردد؛ به گفته اسنودن^۱، مورخ تاریخ پزشکی؛ همه‌گیری‌هایی مانند کرونا، آئینه‌ای در برابر بشریت است که روابط اخلاقی انسان‌ها را منعکس می‌کند (۲). از این منظر، مطالعه تاریخ بیماری‌های همه‌گیر نه تنها بررسی روابط بین انسان‌ها، بلکه بررسی روابط آنان با محیط پیرامونی خود می‌باشد؛ زیرا بیماری‌ها جنبه‌های مختلف زندگی آدمی را دستخوش تغییر می‌کنند. در صورت و اهمیت این پژوهش باید گفت، مطالعه تاریخ بیماری‌های همه‌گیر از یک سو ما را با سیر تحول بهداشت و درمان آشنا می‌سازد و کنش انسان را برای دفع بیماری‌ها مشخص می‌کند، از دیگر سو تأثیرات آن را بر زندگی انسان و تلاش برای زنده ماندن آشکار می‌سازد.

طاعون مورد بحث این پژوهش؛ ابتدا در سال ۱۱۵۱ش /

پیام‌های کلیدی

- میان‌رودان از کانون‌های مهم شیوع طاعون در طول تاریخ بوده است. تراکم جمعیتی، مبادلات اقتصادی، تردد زائران عتبات عالیات و کاروان‌های تجاری، باعث گردیده تا این منطقه همواره در معرض این بیماری قرار گیرد.
- شیوع طاعون پارسی در میان‌رودان، مناطق جنوبی ایران و حاشیه خلیج فارس، تلفات بسیاری را برجای گذاشت که بحران کاهش جمعیت را در پی داشته است.
- از منظر سیاسی، طاعون پارسی از عوامل فتح بصره توسط قوای زندیه بوده و به لحاظ اقتصادی باعث انتقال مرکز تجاری بریتانیا از بصره به مسقط گردیده است.
- در همه‌گیری طاعون پارسی، اولین اقدام قرنطینه‌ای در ایران و خاورمیانه توسط کریم‌خان زند صورت گرفت.

۱۷۷۲م در میان‌رودان (بین‌النهرین) مشاهده و سپس پهنه عظیمی را فراگرفت، در اروپا به «طاعون پارسی» و در میان اعراب به طاعون «ابوچفچیر یا ابوخنجر» شهرت یافت. در این دوران کریمخان زند (۱۱۲۹-۱۱۵۷ش/۱۷۵۱-۱۷۷۹م) پادشاه ایران و مصطفی سوم (۱۱۳۵-۱۱۵۲ش/۱۷۵۷-۱۷۷۴م) سلطان عثمانی بودند. از دوره صفویه همواره بین این دو کشور

1. Frank Snowden

سفرنامه خود گزارش‌هایی از شیوع طاعون، انتقال کمپانی بریتانیا به بمبئی و سقوط بصره آورده است (۱۰). از میان آثار جدید فارسی کتاب «کمپانی هند شرقی انگلیس و ایران دوره زند» اثر غلامعلی رجائی به این طاعون اشاراتی نموده است (۱۱)، اما در ارجاع به منابع مورد استفاده، ضعف‌هایی دارد. در منابع عربی نیز کتاب‌هایی همچون «موسوعه تاریخ العراق بین احتلالین» اثر عباس العزازی (۱۲)، «لمحات اجتماعیه من تاریخ عراق الحدیث» اثر علی الوردی (۱۴) و «البصره فی الفطره المظلمه» اثر حامد البازی به این طاعون پرداخته‌اند (۱۴). در «دایره المعارف طاعون و بیماری‌های همه‌گیر از دوران باستان تا امروز» اثر کوهن^۳ نیز مدخل این طاعون آمده است (۱۵). اما در تحقیقات داخلی و خارجی، پژوهشی در خور این طاعون نمی‌یابیم. کتاب «طاعون و افول تمدن اسلامی» اثر دالس^۴ (۱۶)، مقالات «همه‌گیری‌های طاعون در مدیترانه شرقی و بازتاب آن در تاریخ‌نگاری و مباحث فکری مسلمانان در اوایل دوره اسلامی» اثر فضل‌ی نژاد (۱۷) و «طاعون زدگی شام در تمدن اسلامی» نوشته کریمی و همکاران (۱۸)، از دیگر پژوهش‌هایی هستند که به بررسی طاعون در جهان اسلام پرداخته‌اند و بیشتر بر قرون نخستین اسلامی تمرکز داشته‌اند. از این رهگذار، نوشتار حاضر را می‌توان نخستین مطالعه تخصصی در مورد طاعون ابوخنجر یا ابوچفچیر دانست که علی‌رغم کمبود منابع و کاستی‌های احتمالی، قصد دارد راهگشای مطالعات بعدی باشد.

گونه‌ای از صلح مسلح برقرار بود، یعنی هر دو سعی در افزایش توان نظامی خود در برابر یکدیگر داشتند و کوچکترین رخدادی بین آن‌ها منازعه آفرین بود. در دوره زندیه نیز مناسبات دو کشور به مرحله تثبیت نرسید. رویکردهای تهاجمی عثمانی نسبت به مرزهای ایران، موقعیت بازرگانی بصره، حمایت کریمخان از خوانین کردستان، تحریکات عثمانی در مسقط و قضیه میرمهنّا، برخورد نامناسب با حجاج و زوار در جریان طاعون پارسی، از جمله چالش‌های بین زندیان و عثمانیان بود (۳)، (۴). در این دوران نیز عثمانی دچار مشکلاتی همچون تزلزل در ساختار داخلی، تنزل اقتدار سیاسی و نظامی در جهان و گسست سازمان یافته قدرت مرکزی با حکام ایالات و ولایات بود که باعث تضعیف این کشور گردیده بود (۵، ۶). از این رو طاعون سال ۱۱۵۱ ش/ ۱۷۷۲ م در میان‌رودان، را می‌توان یکی از عوامل شتابزای سقوط بصره دانست. بی‌ثباتی سیاسی عثمانی نیز باعث شد تا سردمداران آن، توجه چندانی به این بیماری در محدوده جغرافیایی خود نداشته باشند.

با تأمل در منابع می‌توان دریافت که پژوهش ویژه‌ای در مورد طاعون پارسی صورت نگرفته است. «تاریخ گیتی گشا» از منابع دوره زندیه در ذیل فتح بصره بدان اشاره نموده است (۷) و منابع پس از آن نیز عموماً در ارجاع به منابع این دوره هستند. «تحفة العالم و ذیل التحفة» اثر شوشتری جزایری وصف مناطق طاعون زده آن روزگار را آورده است (۸). جان پری^۱ در کتاب «کریم‌خان زند» در شرح مناسبات سیاسی اقتصادی کریم‌خان و بریتانیا از این طاعون سخن گفته است (۹). پارسونز^۲ نیز در

3. George Childs Kohn
4. Michael Walters Dols

1. John Richard Perry
2. Abraham Parsons

روش کار

این تحقیق با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگارش شده است. منابع دست اول و پژوهش‌های جدید فارسی، عربی و انگلیسی مورد مطالعه قرار گرفته و مطالب مربوط به طاعون پارسی از میان آن‌ها استخراج گردیده است. با مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی گوگل اسکالر^۱، گوگل بوکز^۲ و نیز استفاده از کتابخانه دیجیتال قطر^۳، آرشیو روزنامه‌های بریتانیا^۴، جست‌وجو در پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه مجلات تخصصی نور و استفاده از مجموعه نرم افزارهای مرکز تحقیقات علوم اسلامی نور، اطلاعات مورد نیاز، فیش- برداری شد و با طبقه بندی آن‌ها، اساس نگارش و سرمایه اصلی این مقاله به دست آمد.

به طور کلی این پژوهش در صدد پاسخگویی بدین پرسش‌هاست: کانون اصلی این بیماری کدام منطقه بوده است؟ چه اقداماتی در جهت رفع آن صورت گرفته است؟ تأثیر این همه‌گیری بر جوامع انسانی و محیط پیرامونی آن‌ها و تعاملات سیاسی اقتصادی حوزه خلیج فارس چگونه بوده است؟ در این جستار، ابتدا به اختصار به طاعون‌های مشهور جهان، ایران و جهان اسلام پرداخته شده و پیشینه تاریخی میان‌رودان در شیوع طاعون‌های مختلف بررسی گردیده است. در ادامه طاعون پارسی، جنبه‌های گوناگون و تأثیرات آن بر نواحی مختلف مورد پژوهش قرار گرفته است.

نتایج

پاندمی طاعون و امواج همه‌گیر آن در جهان و ایران
طاعون از قدیمی‌ترین بیماری‌های عفونی جهان است که در گذشته آن را زیر مجموعه بیماری وبا می‌دانستند و گاهی هر دو را یکی می‌پنداشتند، به گونه‌ای که آن را وبای طاعون نیز خوانده‌اند (۱۹). در آن روزگار به دلیل عدم اطلاع کافی از اصطلاحات طبی و عربی، درنیافته‌اند که در زبان عربی به تمام بیماری‌های واگیر «امراض وبائیه» اطلاق می‌گردد. چنانچه طولوزان می‌گوید: «در تصنیفات اطباء عرب و عجم لفظ وباء شامل همه امراض وبائی است» (۲۰). بر اساس دیدگاه حکمای طب ایرانی، هوای وبائی باعث ایجاد بیماری‌هایی مانند وبا، طاعون، آبله و سرخک می‌گردد (۲۱). این بیماری از طریق گزش کک یا موش که ناشی از باکتری یرسینیا پستیس^۵ است، ایجاد می‌گردد و دارای سه نوع خیارکی، تنفسی و خونی است (۱۹). در جدول شماره ۱ به مهمترین امواج طاعون جهان تا پیش از ۱۱۵۱ ش/ ۱۷۷۲ م اشاره گردیده است.

در ایران نیز طاعون بارها شایع گردید که در جدول شماره ۲ به مهمترین آنها تا پیش از همه‌گیری طاعون پارسی اشاره شده است. ابوسهل مسیحی در «فی تحقیق امر الوبا و دفع مضاره» (۲۴)، علی بن عباس اهوازی در «کامل الصناعه الطبیه» (۲۵)، زکریای رازی در «الحاوی» (۲۶) و شیخ‌الرئیس ابن سینا در «قانون» (۲۷)، از جمله اطباء ایرانی هستند که در آثار خود به طاعون پرداخته‌اند.

4. British News Paper Archive
5. Yersinia Pestis

1. Google Scholar
2. Google Books
3. Qatar Digital Library

جدول شماره ۱- برخی از همه‌گیری‌های مشهور طاعون در جهان

منبع	وجه تسمیه	محدوده جغرافیایی	سال انتشار	نام طاعون	ردیف
(۲۲)	محل بروز	آتن	۴۳۰-۴۲۳ پیش از میلاد	طاعون آتن	۱
(۲۲)	در زمان امپراتوری مارکوس اورلیوس آنتونینوس شایع گردید.	روم	۱۶۵ - ۱۸۰ م	طاعون آنتونین	۲
(۲۲)	سنت سیپرین اسقف کارتاژ این طاعون را نشانه آخرالزمان می‌دانست و خود اولین قربانی آن بود.	کارتاژ	۲۵۰ تا ۲۷۱ م	طاعون سیپرین	۳
(۲۳)	در زمان ژوستینین یکم امپراتور بیزانس شایع گردید.	محدوده شرق میانه تا غرب اروپا/ قلمرو ساسانیان/ سیستان	۵۴۱ تا ۵۴۲ م	طاعون ژوستینین	۴
(۲)	به دلیل کشتار بسیار آن را سیاه خوانده‌اند.	سراسر آسیا و اروپا	۷۲۵-۷۳۱ ش/ ۱۳۴۷-۱۳۵۳ م	مرگ سیاه	۵

جدول شماره ۲- برخی از همه‌گیری‌های مشهور طاعون در ایران^۱

منبع	توضیحات	دوره فرمانروایی	محدوده جغرافیایی	سال انتشار	ردیف
(۲۸)	-	صفاریان	خراسان و قومس	۲۶۴ ش/ ۲۵۶ ق	۱
(۲۹)	-	غزنویان	خراسان	۴۰۱ ش/ ۳۸۹ ق	۲
(۳۰)	-	غزنویان	ماوراءالنهر/ آذربایجان/ اهواز	۴۳۵ ش/ ۴۴۹ ق	۳
(۳۱) (۳۲)	توصیف در سفرنامه مارکوپولو	ایلخانان	تبریز	۶۴۸ ش/ ۶۶۸ ق	۴
(۳۱) (۳۲)	موج اول مرگ سیاه	ایلخانان	شمال غرب ایران	۷۳۱- ۷۲۵ ش/ ۷۴۷ ق- ۷۵۳ ق	۴
(۳۳)	توصیف در روضه‌الصفای میرخواند	تیموریان	کلات	۷۵۷ ش/ ۷۸۰ ق	۵
(۳۴)	در زمان شاه طهماسب اول/ مرگ والی گیلان احمد بن سلطان حسن بن کارکیا بر اثر این طاعون	صفویان	گیلان	۹۱۵ ش/ ۹۴۳ ق	۶
(۳۵)	در زمان شاه عباس اول	صفویان	قزوین	۹۷۱ ش/ ۱۰۰۱ ق	۷
(۳۶)	در زمان اشرف افغان	افغان‌ها	گیلان	سال ۱۱۰۵ ش/ ۱۱۳۹ ق	۸
(۳۶)	در زمان اشرف افغان/ حدود ۲۰ هزار تن مردند	افغان‌ها	همدان و غرب کشور	سال ۱۱۰۹ ش/ ۱۱۴۳ ق	۹

شده در ایران نامی گذاشته نشده و فقط از طریق تاریخ و دوره شیوع می‌توان آن‌ها را شناخت.

۱. در این جدول، مانند جداول ۱ و ۳ ستونی برای نام طاعون‌ها در نظر گرفته نشده است. دلیل آن این است که نامگذاری برای طاعون‌ها بیشتر در میان اعراب و اروپاییان مرسوم بوده و در منابع موجود بر طاعون‌های شایع

میان‌رودان همواره از کانون‌های مهم انتشار طاعون بوده که جدول شماره ۳ به طاعون‌هایی اشاره شده که در طول تاریخ از آنجا به کشورهای همجوار نیز صادر می‌شده است. این منطقه شایع و گاه ایران را نیز درگیر نموده‌اند.

جدول شماره ۳- برخی از همه‌گیری‌های مشهور طاعون در میان‌رودان

ردیف	نام طاعون	سال انتشار	محدوده جغرافیایی	توضیحات	وجه تسمیه	منبع
۱	شیرویه	۶۲۷-۶۲۸م/ ۵-۶ق	نواحی غربی متصرفات ساسانیان/ میان‌رودان / مدائن	-	برگرفته از نام یکی از شاهان ساسانی که در اثر آن درگذشت.	(۳۷)
۲	یزدگردی	۶۳۴-۶۴۲م/ ۱۲-۲۱ق	میان‌رودان	هم‌زمان با نبردهای قادسیه، جولای و نهاوند	در زمان یزدگرد سوم شایع شد	(۳۷)
۳	عمواس	۶۴۷م/ ۱۸ق	روستای عمواس در فلسطین/ مصر/ شام/ میان‌رودان	پس از تصرف اورشلیم به دست مسلمانان / جان بسیاری از صحابه پیامبر(ص) را گرفت/ در زمان خلافت عمر	-	(۳۸)
۴	جارف	۶۸۸م/ ۶۹ق	بصره	در زمان عبدالله بن زبیر	جارف به معنی مرگ عمومی	(۳۹)
۵	الفتیات(اشراف)	۶۹۷م/ ۷۸ق	بصره/ واسط/ شام/ کوفه	چون بسیاری از دوشیزگان و اشراف بدان هلاک شدند، به این دو نام معروف شد/ در زمان عبدالملک مروان/ در ایام حج	-	(۴۰) (۴۱)
۶	بازگشت طاعون الفتیات	۶۹۸م/ ۷۹ق	بصره	در مدت سه روز بیش از دویست هزار تن مردند.	-	(۴۲)
۷	سلم بن قتیبه	۷۴۸م/ ۱۳۱ق	بصره	بسیاری از رجال سیاسی و نظامی مردند/ در زمان مروان حمار	برگرفته از نام اولین فردی که بر اثر این طاعون مرد	(۴۱)
۸	بدون نام	۱۱۰۲م/ ۴۹۵ق	بلاد روم/ استانبول و شامات/ بغداد و مشاهد معظمه/ حاشیه فرات/ بصره/ هویزه/ دوزق	در زمان سلجوقیان	-	(۴۱)
۹	بدون نام	۱۶۹۰م/ ۱۰۱ق	بصره	در زمان شاه سلیمان یکم صفوی در ایران و سلطان سلیمان دوم در عثمانی	-	(۴۰) (۴۳)

در طی تاریخ تقریباً در تمام ایران به ویژه در مناطق مرزی طاعون شایع گردیده و این طاعون‌ها عمدتاً از مناطق غربی وارد

بود، در اروپا به «طاعون پاریسی» شهرت یافت (۴۹). در آرشیو کتابخانه دیجیتالی قطر، یادداشت‌هایی از یک کارمند ناشناس کمپانی فرانسه موجود می‌باشد که در شرح مرگ دکتر «کلود پیرو»^۲ کنسول فرانسه بر اثر طاعون، علایم وی را چنین توصیف نموده است: «سوء هاضمه و اختلال در گوارش»، «ایجاد تورم در کشاله ران»، «تنگی نفس»، «احساس خواب آلودگی شدید». این فرد که خود نیز به طاعون پاریسی مبتلا شده و بهبود یافته، در گزارشاتش چنین آورده است: «خیارک‌های روی پوست کم کم متورم می‌شود و وسط آن می‌سوزد». «احساس خارش»، «تب»، «معه درد»، «احساس درد در قسمت ران»، «تهوع»؛ از جمله علائمی است که او با آن‌ها مواجه بوده است (۵۰).

پیدایش و پراکنش جغرافیایی

روزنامه پلیس گازت^۴ (شکل ۱) می‌نویسد: این طاعون ابتدا در نوزدهم ژانویه ۱۷۷۲م (۲۱ دی ۱۱۵۰ش) در حومه بغداد، در نزدیکی ویرانه‌های شهر باستانی بابل ظاهر شد و کمی بعد به داخل شهر رسید (۵۱). در مورد منشاء آن شوشتری جزایری در «تحفة العالم» (۸) و برخی مورخین عراقی نظیر باقر امین الورد در «حوادث بغداد فی ۱۲ قرن» (۵۲)، عباس العزوی در «موسوعه تاریخ العراق بین احتلالین» (۱۲) و علی الوردی در «لمحات اجتماعیه من تاریخ عراق الحدیث» (۱۳)؛ معتقدند این طاعون از استانبول که دروازه اروپا بوده به میان‌رودان سرایت کرده است. یقیناً تجارت‌های فرامنطقه‌ای و مبادلات اقتصادی بین کشورها، به دلیل افزایش جمعیت و کمبود منابع، باعث گردیده تا حمل و نقل و بازرگانی در گسترش و شیوع این

شده‌اند. طاعون پاریسی را شاید بتوان یکی از مهلک‌ترین بیماری‌هایی دانست که ایران به خود دیده و از میان‌رودان بدان راه یافته است. در ادامه بحث، این طاعون بررسی خواهد شد.

طاعون پارسی یا طاعون ابوچفچیر (ابوخنجر)؛

وجه تسمیه و علائم

طاعون بزرگی که در سال ۱۱۵۱ش/۱۱۸۶ق/۱۷۷۲م مرکز و نیمه جنوبی عراق عثمانی را درنوردید و به بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس سرایت نمود، ابوچفچیر^۱ نام داشت. این طاعون از نوع خیارکی^۲ و از شایع‌ترین اشکال آن بود که از اوایل شعبان ۱۱۸۶ق (اوایل آبان ۱۱۵۱ش/ اوایل اکتبر ۱۷۷۲) تا اواخر محرم ۱۱۸۷ق (اوایل اردیبهشت ۱۱۵۲ش/ اواخر آوریل ۱۷۷۳م) به مدت شش‌ماه ادامه یافت (۴۴-۴۶) و از مهیبت‌ترین امواج طاعون در طول تاریخ بود. دلیل شهرت آن به ابوچفچیر، این است که فرد بیمار احساس می‌کرد، روده‌هایش را با کفگیر درون شکمش می‌چرخاند (۴۷). همچنین به دلیل خروج ترشحاتی از خیارک‌های پوستی که شبیه به ضایعه پوستی «کفگیرک» بود؛ ممکن است این نام بدان اطلاق گردیده باشد، زیرا بیماری کفگیرک از اجتماع غده چربی دردناک پدید می‌آید (۴۸). نام دیگر این طاعون «ابوخنجر» می‌باشد، که نام گلی است و در فارسی بدان گل لادن گفته می‌شود و برای درمان عفونت معده و روده بسیار مفید است. شاید در زمان شیوع این طاعون، گیاه ابوخنجر برای درمان آن کاربرد داشته، از این رو بدین نام مشهور گردیده است. از آنجا که این بیماری در سواحل جنوبی ایران نیز شایع گردیده

۱. به معنی کفگیر؛ در عراق و خوزستان و برخی کشورهای کرانه خلیج فارس در زبان محاوره اغلب حرف (ک) را (چ) تلفظ می‌کنند (۴۴).

2. Bubonic

3. Claude Pyraut (Pirault)

4. Police Gazette

بیماری نقش مهمی ایفا کند. البته سفر زائران به عتبات نیز در انتقال این بیماری تأثیر داشته است.

شمال غربی ایران، جنوب غربی خلیج فارس و دریای عمان و کردستان اشاره کرد (۵۳). «تاریخ منتظم ناصری» به نقل از منابع پیشین و در ذیل حوادث سنه ۱۱۴۹ش / ۱۷۷۱م / ۱۱۸۵ق از ابتلای عساکر اتریش و پروس به طاعونی خبر می‌دهد که از عثمانی آمده است (۵۴). طاعونی که در این سال در عثمانی وجود داشته، ممکن است آغازگر طاعون سال بعد در بغداد و بصره باشد. البته پیش از شیوع این بیماری، طاعون دیگری از اواخر سال ۱۱۴۸ش / ۱۷۷۰م در مسکو پدیدار شد که در سال ۱۱۴۹ش / ۱۷۷۱م به اوج خود رسید. منشاء این بیماری را هم عثمانی دانسته‌اند، زیرا در جنگ روسیه و عثمانی (۱۱۸۷-۱۱۸۱ش / ۱۷۶۸-۱۷۷۴م)، سربازان روس، طاعون را با خود به مسکو برند (۵۵، ۵۶).

تکریت، کرکوک، اربیل و موصل نیز دچار این طاعون شدند و شهرهای حله، نجف، کربلا و کاظمین نیز آسیب جدی دیدند (۵۷). طبق روایت «تحفه العالم» فراریان بصره به شوشتر آمدند و آن مرض تا چهار فرسخی این شهر رسید (۸) و در جنوب ایران به بوشهر و بندرعباس نیز سرایت کرد. این طاعون در کردستان نیز شایع شد که همواره از کانون‌های انتشار طاعون و گاه پلی برای انتقال به دیگر مناطق بوده است (۵۸). فلور^۱ از شیوع آن در سلیمانیه به سال ۱۱۵۲ش / ۱۷۷۳م و در سال ۱۱۵۳ش / ۱۷۷۴م در کرمانشاه خبر داده است. شاید مورد اخیر، بقایای طاعون ابوحنیفه در کرمانشاه باشد (۲۳). طاعون در سال ۱۱۵۲ش / ۱۷۷۳م در بحرین، کویت و قطیف هم شایع شد و تا بمبئی نیز پیشروی کرد (۵۹، ۶۰) که نشانگر نقش تجار و کاروان‌های تجاری در سرایت طاعون و انتقال آن به دیگر مناطق است.

The following letter, received by the last mail, gives as melancholy an account of the effects of the plague as perhaps ever was known:

Aleppo, (Hilapolis) Aug. 31. The 19th of Jan. last the plague first manifested itself in the suburbs of Bagdat, (near the ruins of the ancient Babylon) and soon after in the city itself. It made such havoc in the months of February, March, and April, that of four hundred thousand inhabitants, only a quarter part were left alive. The inhabitants of the neighbouring towns of Hela, Iman-Aly, Iman-Huffein, and Iman-Mouffa, have been entirely swept away. Several travellers who passed by those places in April, found all the houses deserted, and nothing but dead carcases left. Some pilgrims from Iman-Aly, and some Jewish families who escaped from Bagdat, carried the contagion to Boffora, and at which place, till towards the end of March, the Christians and Franks shut themselves up to prevent infection, which the Turks neglecting, eight thousand of them perished, in one quarter alone of the city, from the 15th to the 25th of April. Of five hundred domesticks of the Muffiim (the Governor) one slave only escaped with life. This city consisted of an hundred thousand inhabitants, of whom eighty thousand have perished. Five thousand fled to the Persian Gulph, about the same number escaped the infection, and ten thousand have arrived here. The number of Christians who perished, amounted to three hundred and seventy-four, seventy-four of which were of the Romish communion, more than four thousand Jews, three Idolaters, and all the rest were Turks. The heat of the month of May stopped the infection at Bagdat, and the 10th of June Baffora was delivered from it. The Bishop of Babylon (whose servants all perishing, were driven forth to seek provisions) the Consul of France, two ecclesiastics, and one Carmelite, died in first mentioned place; and in Bagdat the Sicur Perault, Agent to the India Company, and two Carmelite missionaries. A Catholic Armenian priest, aged 84, who practised physic, escaped the infection, though he attended on the sick the whole time. The several tribes of Arabians who encamp on the borders of the river Chatel Arabe, as far as the sea, and to the part of the Gulph, have likewise suffered prodigiously. Kerim-Khan, Regent of Persia, having placed a cordon of troops on the frontiers of that kingdom, preserved that country from the infection.

شکل شماره ۱- گزارش شیوع طاعون در بغداد، بصره و

ایران و اشاره به اقدامات کریمخان زند، در روزنامه پلیس

گازت، چاپ لندن، ۲۶ نوامبر ۱۷۷۳، ص ۲ (۵۱).

از کانون‌های طبیعی طاعون در آسیا می‌توان به شرق ترکیه،

را در پی داشت. در بغداد هر روز بیش از هزار نفر جان می‌باختند (۶۸). چنانچه گفته شده است: «در روز اول [در بغداد] هفتاد هزار کس بمردند و در روز دوم و سوم از حساب درگذشت» (۸). در ماه‌های فوریه، مارس و آوریل (از اواسط بهمن تا اواسط فروردین) این بحران باعث شد، از کل جمعیت آن روز بغداد، فقط یک چهارم آن زنده بمانند. حدود ۵۰۰۰ نفر به کرانه‌های جنوبی خلیج فارس فرار کردند. تعداد مسیحیانی که در این همه‌گیری تلف شدند ۳۷۴ نفر تخمین زده شد که ۵۴ نفر از آنان کاتولیک بودند. گفته شده ربع میلیون نفر تنها در بغداد جان خود را از دست دادند (۶۹). در آوریل ۱۷۷۳م (فروردین و اردیبهشت ۱۱۵۲ش) یک سوم جمعیت بصره مردند و بین روزهای ۱۵ تا ۲۵ آوریل (۲۷ فروردین تا ۶ اردیبهشت) از پانصد نفر خدمه متسلم، تنها یک غلام زنده ماند (۵۱،۷۰).

هنری مور^۳ نماینده بریتانیا از ترس بیماری، همراه افرادش به بمبئی رهسپار شد. در ژانویه ۱۷۷۴م (دی و بهمن ۱۱۵۲ش) پس از رفع طاعون، در بازگشت به بصره چنین گزارش نمود؛ سالیان درازی طول می‌کشید تا بصره ویرانه به وضعیت سابق خود بازگردد (۷۱).

به گزارش روزنامه لیدز اینتلیجنسر^۴ (شکل ۲) «این بیماری توسط تعدادی از زائران نجف و برخی یهودیانی که از بغداد به بصره گریخته بودند، شایع شد» (۷۲). بیش از ۴۰۰۰ نفر از جمعیت یهودیان این منطقه نابود شدند. از ۵۵۰۰۰ نفری که در این شهر بر اثر این طاعون جان باختند، ۴۰۰۰۰ نفر آنان ارمنی بودند (۷۳). «خزانه التواریخ النجدیه» آمار جانباختگان بصره را ۳۵۰ هزار نفر اعلام نموده که مبالغه آمیز می‌نماید.

تأثیر طاعون ابوخنجر بر مناسبات سیاسی و اقتصادی

این همه‌گیری روابط سیاسی و اقتصادی بندر بصره با دیگر کشورها را دستخوش تغییر نمود. به لحاظ اقتصادی هلند تشکیلات تجاری‌اش در بوشهر را در سال ۱۱۲۵ش/۱۷۴۷م به صورت بخشی از تشکیلات بصره درآورده بود و با این کار تجارت بوشهر و بصره را به هم متصل می‌ساخت. اما در دوره زند تسلطش بر خلیج فارس کاهش یافت و در سال ۱۱۳۱ش/۱۷۵۳م جای خود را به بریتانیا داد (۶۱). طبق گزارش کارگزاریانی همچون سامونل مانستی^۱ و هارفود جونز^۲، محموله‌های بزرگی از بنگال وارد و در بوشهر انبار می‌شد، تا بدون پرداخت گمرک به حاکم بصره، به سوی مدیترانه ارسال شود. اما در اواخر قرن هجدهم میلادی، با شیوع طاعون در بصره، عواید بریتانیا به حداقل رسید (۶۲، ۶۳) که این امر باعث شد، تجارتخانه بریتانیا در بصره تعطیل، و به مسقط منتقل شود (۶۴، ۶۵). یکی از بهانه‌های کریم‌خان برای لشکرکشی به بصره، مصادره اموال ایرانیان فوت شده در طاعون، به دستور عمر پاشا متسلم بغداد بود (۶۶). در واقع از نظر سیاسی این طاعون از عوامل فتح بصره توسط صادق خان زند به شمار می‌آید. گرچه علاوه بر طاعون، دلایل دیگری از جمله دخالت سلیمان پاشا متسلم بصره در ماجرای میرمهنا، اهمیت تجاری بصره برای کریم‌خان و اخذ مالیات و عوارض از زائرین بر خلاف معاهده ۱۱۲۵ش/۱۷۴۷م، در وقوع این حمله بی‌تأثیر نبوده است (۶۷).

طاعون ابوخنجر و بحران کاهش جمعیت

تلفات این طاعون، کاهش شدید جمعیت در مناطق آوده

3. Henry Moore
4. leeds Intelligencer

1. Samuel Manesty
2. Sir Harford Joens Brydges

همین منبع آمار کشتگان شهر الزبیر^۱ را ۶۰۰۰ تن گزارش کرده است (۷۴).

تلفات طاعون را ۲۵۰ هزار نفر از کل جمعیت ۳۰ هزار نفری آنجا گزارش کرده است (۶۸). فصل گرما سرایت بیماری را کاهش داد و در ژوئن ۱۷۷۳م (خرداد و تیر ۱۱۵۲ ش) بصره از طاعون رهایی یافت (۴۳). در نجف و کربلا شیوع آن سرعت بیشتری داشت، چون شیعیان، اجساد را برای تدفین به این شهرها می‌آوردند (۶۹). در موصل نیز روزانه هزار نفر تلف می‌شدند. گفته شده ۲۵۰ هزار نفر در این شهر که هشتاد درصد جمعیت آن روز موصل بود، جان باختند. این امر به دلیل تجمع مردم در مساجد و عدم آشنایی آنان با پروتکل‌های بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی بود. در طول این طاعون مساجد موصل هر روز پذیرای نمازگزارانی بود که یا برای رفع و دفع بیماری دعا می‌کردند، یا به تشییع و ترحیم مردگان خود می‌پرداختند (۷۵). در کرکوک و حوالی آن نیز تعداد بسیاری از بین رفتند یا شهر را ترک گفتند (۷۶). این طاعون یکی از شدیدترین همه‌گیری‌های تاریخ بود که تخمین زده شده دو میلیون نفر در ایران و سرزمین‌های تحت کنترل پادشاهی زندیه در اثر آن جان باخته‌اند (۷۱). از جمله رجال و علمای مشهوری که در این همه‌گیری از میان رفتند، می‌توان به «الرامی بن مراد بن حاجی محمد» شاعر حنفی اهل موصل، «محمدتقی الدورقی» از فقهای شیعه، «شیخ احمد باش اعیان»^۲ دانشمند اهل بصره (۴۵)، اسقف بابل و کلود پیرو اشاره نمود (۴۹). مرگ و میر ناشی از این طاعون موجب کاهش تعداد نیروهای دیوانی و دولتی شد؛ از این رو سلیمان پاشا در بصره، برای پر کردن این خلاء، از عشایر کرد و عرب استفاده کرد، گرچه عدم اطلاع آنان از امور

L O N D O N .

The following letter, received by the last mail, gives as melancholy an account of the effects of the plague as perhaps ever was known :

Aleppo, (Heliopolis,) August 31.

THE 10th of Jan. last the plague first manifested itself in the suburbs of Bagdat, (near the ruins of the ancient Babylon,) and soon after in the city itself. It made such havock in the months of February, March, and April, that of four hundred thousand inhabitants, only a quarter part were left alive. The inhabitants of the neighbouring towns of Hela, Iman-Aly, Iman-Hussein, and Iman-Moussa, have been entirely swept away. Several travellers who passed by those places in April, found all the houses deserted, and nothing but some Jewish families who escaped from Bagdat, and the contagion to Bassora, at which place, towards the end of March, the Christians and Branks that themselves up to prevent infection, which the Turks neglected, eight thousand of them perished, in one quarter alone of the city, from the 15th to the 25th of April. Of five hundred domestics of the Musselim, (the Governor) one five only escaped with life. This city consisted of an hundred thousand inhabitants, of whom eighty thousand have perished. Five thousand fled to the Persian Gulf, about the same number escaped the infection, and ten thousand have arrived here. The number of Christians who perished, amounted to three hundred and seventy-four, seventy four of which were of the Romish communion, more than four thousand Jews, three Idolaters, and all the rest were Turks. The heat of the month of May stopt the infection at Bagdat, and the 10th of June Bassora was delivered from it. The Bishop of Babylon (whose servants all perishing, was driven north to seek provisions,) the Consul of France, two Ecclesiasticks, and one Carmelite, died in the first mentioned place; and in Bagdat the Sieur Perault, Agent to the India Company, and two Carmelite Missionaries. A Catholic Armenian Priest, aged 84, who practised physic, escaped the infection, though he attended on the sick the whole time. The several Tribes of Arabians who encamp on the borders of the river Chatel Arabe, as far as the sea, and to the port of the Gulf, have likewise suffered prodigiously. Kerim-Khan, Regent of Persia, having placed a cordon of troops on the frontiers of that kingdom, preserved that country from the infection.

شکل شماره ۲- گزارش شیوع طاعون در بغداد، بصره و

ایران و اشاره به اقدامات کریمخان زند، در روزنامه لیدز اینتلیجنسر، چاپ لیدز، ۷ سپتامبر ۱۷۷۳، ص ۲ (۷۲).

پارسونز که در سال ۱۱۵۳ ش / ۱۷۷۴م از بصره دیدن کرده،

۲. مؤلف کتاب «الطائف السنيه فی شرح مقامات الحريريه» (۴۵).

۱. شهری در استان بصره کنونی که در محل بصره قدیم شکل گرفته و به اعتبار وجود مزار «زبیر بن عوام»، پسر عمه و صحابه پیامبر (ص) بدین نام مشهور، و از مهمترین زیارتگاه‌های اهل تسنن می‌باشد (۷۸).

کشوری و لشکری مشکلات زیادی را در پی داشت (۴۷).

اقدامات انجام شده جهت مقابله با طاعون

الف) پیشگیری و مصرف برخی خوراکی‌ها: در این دوران متسلم بصره «سلیمان بیگ ابوسعید» ملقب به «سلیمان پاشا» و مشهور به «کبیر» بود که برای کاهش سرایت طاعون تلاش‌هایی انجام داد؛ او اولین بار ایده خوردن سیر را برای مقابله با طاعون مطرح کرد و کمیته‌هایی از شرطه‌ها برای توزیع سیر تشکیل داد. او همچنین اولین کسی بود که فهمید خرما ناقل طاعون نیست و قند موجود در آن میکروبیوس را نابود می‌کند (۴۷). در گزارشات به جا مانده از فرد ناشناس فرانسوی به اقدامات پیشگیرانه‌ای اشاره شده که عبارتند از: خوردن مواد قندی (مانند خرما؛ به دلیل داشتن فیبر و کربوهیدرات)، مصرف لیکور (نوعی مشروب الکلی شیرین)، سوپ کبوتر (دارای خواص درمانی)، حجامت، و قرار دادن پاها در آب گرم (۴۹). البته مورد اخیر را حاجی آقابابا ملک‌الاطباء از اطباء دوره قاجار نیز در رساله «وبائیة کبیره» توصیه نموده است (۷۷).

ب) قرنطینه: در ایران، خان زند برای جلوگیری از سرایت طاعون، دست به اقداماتی زد. چون چندین قبیله چادرنشین عرب در امتداد اروند رود به طاعون مبتلا شده بودند، دستور داده شد تا برای ممانعت از ورود آنان به ایران، سربازان در نواحی مرزی مستقر شوند (۴۳). او با این اقدام حائل بین ایران و مناطق آلوده ایجاد کرد. اقدام دیگر، ممنوع کردن ورود به شیراز بود تا طاعون به پایتخت ایران نفوذ نکند (۴۷). در شوشتر نیز بزرگان شهر تدبیر نمودند و تا دو ماه دروازه شهر را بستند، تا طاعون وارد شهر نشود و مایحتاج مبتلایان را دور از شهر می‌گذاشتند (۸). این اقدامات را می‌توان نخستین تکاپوهای

استفاده از قرنطینه در ایران و کشورهای خلیج فارس دانست.

ج) خروج از شهرها: در بغداد عمر پاشا متسلم بغداد، با سوء مدیریت خود بر شدت بیماری افزود، چون از شهر گریخت (۱۲). اولین راهی که مردم در مواجهه با همه‌گیری‌ها در پیش می‌گرفتند، فرار از شهرها بود. در بغداد متمولین شهر طبق عادت، خانه‌های خود را ترک می‌کردند؛ گرچه پس از بازگشت، منازل خود را غارت شده می‌یافتند (۱۳). علمای بسیاری از شهرهای زیارتی که در آن اقامت داشتند، گریختند؛ شیخ احمد احسائی (۱۱۳۱-۱۲۰۴/ش ۱۷۵۳-۱۸۲۶م) تحصیلات خود را نیمه کاره رها کرد (۷۹). عبدالرحمان بن عبدالله السویدی (۱۱۶۳-۱۰۹۹/ش ۱۷۲۱-۱۷۸۵م) از روحانیون بزرگ آن دیار، به کویت گریخت و پس از بازگشت، تمام شاگردان خود را مرده یافت. محمد باقر بهبهانی (۱۰۸۴-۱۱۶۸/ش ۱۷۰۶-۱۷۹۰م) از فقهای اصولی و ضد اخباری شیعه، برخلاف عمر پاشا که قصد داشت مردم را با زور در شهرها نگه دارد، تمام تلاش خود را صرف پاکسازی شهرها و ترغیب روحانیون به مهاجرت نمود، تا بتوانند میراث اصولیون را حفظ نمایند. پسرش محمدعلی بهبهانی (۱۱۰۹-۱۱۷۹/ش ۱۷۳۱-۱۸۰۱م) به دستور وی رهسپار ایران شد و در کرمانشاه رحل اقامت گزید تا بتواند عقاید پدر را در ایران نیز گسترش دهد. سیدمحمد مهدی طباطبائی (بحرالعلوم) (۱۱۲۰-۱۱۷۵/ش ۱۷۴۲-۱۷۹۷م) نیز مدتی در اصفهان و سپس در مشهد ساکن بود (۶۴).

بحث و نتیجه‌گیری

طاعون در طول تاریخ در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی اثراتی را برجای گذاشته و در عرصه سیاسی نیز، گاه زمینه ساز ضعف حکومت‌ها بوده است. کانون اصلی انتشار طاعون پارسی

تردد زائران به عتبات عالیات، تجمع آنها در اماکن زیارتی و تدفین مردگان از دیگر عوامل انتقال این بیماری بوده است. همانگونه که گفته شد بحران کاهش جمعیت نیز یکی دیگر از پیامدهای مهم این طاعون بوده است، چرا که شهرهای بسیاری خالی از سکنه شدند و بسیاری از علما و فضلاء آن روزگار از بین رفتند که نام برخی از آنها برای اولین بار در این پژوهش ذکر گردیده است. از این پژوهش می‌توان دریافت که گستره جغرافیای شیوع بیماری چه نقاطی بوده است و در آن روزگار چه راهکارهایی برای پیشگیری و تسکین این طاعون ابداع گردیده است؛ خوردن برخی مواد خوراکی نظیر سیر و خرما که دارای خواص درمانی هستند از جمله این موارد هستند. اشاره به تمهیدات کریمخان زند برای جلوگیری از ورود طاعون به نواحی مرکزی ایران، از جمله مواردی است که در این تحقیق بدان پرداخته شده و می‌توان از آن به عنوان نخستین اقدام قرنطینه‌ای در ایران و خلیج فارس یاد کرد. با این آگاهی می‌توان به سیر تحول بهداشت و درمان پی برد و مدیریت بهتری را در مواجهه با بیماری‌ها و بحران‌های عصر کنونی رقم زد.

میان‌رودان بوده و ویژگی‌های مردمان آن از جمله سبک معیشت، تراکم جمعیت، اقتصاد دامی و تجاری و نوع آداب و رسوم، در نحوه مواجهه آنان با طاعون مؤثر بوده است. نتایج این تحقیق نشان داد، جنگ همواره از مهم‌ترین عوامل گسترش بیماری‌ها بوده و این گزاره در مورد طاعون پارسی نیز صحیح بوده است. در این همه‌گیری نیز توسعه طلبی عثمانی در گسترش آن تأثیر داشته است. درگیری عثمانی با مشکلات داخلی و خارجی، موجب غفلت از طاعون در داخل مرزهایش شده بود. فقدان مدیریت قوی در میان سردمداران عثمانی و عدم وجود قرنطینه و پروتکل‌های بهداشتی و درمانی، این بیماری را به اوج خود رساند. بر اساس این پژوهش، ارتباطات تجاری و ترابری میان‌رودان با دیگر نواحی از عوامل مهم شیوع این طاعون بوده و مناسبات اقتصادی را در خلیج فارس دچار تغییر و تحول نموده است. طبق نتایج این تحقیق مشخص گردید، برخی باورها و مناسک جمعی، موجب گسترش طاعون پارسی گردیده است.

منابع

- 1- Rostami R. *Investigating Bubonic Plague and Causes*, Tehran: 5th International Conference on Health, Crisis and Safety, 2022. Available in: <http://Civilica.com/doc/1563144>. (Persian)
- 2- Snowden F.M. *Epidemics and Society: From the Black Death to the Present*. New Haven: Yale University Press; 2019: p.10
- 3- Ghafarikashani A. *Golshan-e Morad*, Edited by Tabatabaei GH, Tehran: Zarrin; 1990: p.178. (Persian)
- 4- Vosooghi M. *History of the Persian Gulf and Neighboring Countries*, Tehran: Samt; 2005: pp.371-372. (Persian)
- 5- AHmadvand Z & Ataei A. Foreign Relations Between Iran and the Ottoman Empire During the Zandiye Period (18th century ad), *History of Kharazmi*, 2014; 1(3): 26-50. (Persian)
- 6- Motevalli A. Factors Affecting Iran-Ottoman Relations in the Zandiye Period, *History of Foreign Relations*, 2010, 11(42): 143-170. (Persian)
- 7- Nami Esfehani M. *Tarikhe Giti Gosha*, Edited by Nafisi S. Tehran: Eghbal; 1938: pp.181-182.(Persian)
- 8- Shooshtari M. Tohfāt Al-Alam va Zeil Al-Tohfe; *Travelogue and Memoirs*. Tehran: Tahoori; 1984: p.134.(Persian)
- 9- Perry J.R. *Karim Khan Zand*, Translated by Rezaei M, 2nd edition Sari: Nasime Ghalam; 2019: p.125.(Persian)
- 10- Parsons A. *Travels in Asia And Frica*, London: Unknown publisher; 1808: pp.133, 173, 160.
- 11- Rajaei Gh. *British East India Company and Iran during the Zandiye period*, Tehran: Center for Documents and History of Diplomacy; 2011: p.469.(Persian)
- 12- Al-Azavi A. *Encyclopedia of the history of Iraq between two occupations*, Vol 7, Beirut: The Arab House for Encyclopedias; 2004:52-53. (Arabic)
- 13- Al-Vardi A. *Social Aspects of Iraq Modern History*, Vol 1. Qom: Sharif Razi Publications; 1992: p.159.(Arabic)
- 14- Al-Bazy H. *Basrah In The Dark Period, Baghdad*: Basri Publications; 1970: pp.77-78.(Arabic)
- 15- Kohn G.C. *Encyclopedia of Plague and Pestilence*, 3rd edition. New York: Infobase Publishing; 2007: pp.299-300
- 16- Dols M.W. *The Black Death in the Middle East*, New Jersey: Princeton University Press; 1 Edition, 1977. No.p
- 17- Fazlinejad A. Epidemics of Plague in the Eastern Mediterranean and its reflection in Muslim historiography and thought in the early Islamic period. *Philosophy of Science*. 2021; 11(21):139-167.(Persian)
- 18- Karimi Z, Khakrand S, Dehghan M. Plague in the Sham in Islamic Civilization (from the Beginning to the End of the Umayyads Period). *IJMEHM* 2023; 16 (1 and 1) : 22.(Persian)
- 19- Haddadadel GH. Encyclopedia of the World of islam, Vol 30. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation; 2022: pp.459-471.(Persian)
- 20- Tholozan J. The History of Plague in Iran in Different Years, Translated by Mirza Aligholi, Tehran: Edited by National Library of Iran and Media Studies and Research Center; 1996: p.963.(Persian)
- 21- Nasrirodsari S & Khodadoost M & Babamahmoodi F & Nasiri E. Diagnosis & Treatment of Cholera from the Perspective of Iranian Medical Experts. *Traditional Medicine of Islam and Iran*. 2017; 9(1): 25-36.(Persian)
- 22- Mirsalim M. Encyclopedia of the World of islam, Vol 1. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation; 1996:

- p.4080.(Persian)
- 23- Floor W. Studies in the History of Medicine in Iran, Translated by Nabipoor E, et al. Bushehr: University of Medical press; 2018: 12, 18.(Persian)
- 24- Aboo-Sahl. A Message about Achieving the Epidemic and Warding off its Harms, Tehran: Manuscript of the Library of the Islamic Council, No. 6532/2: p.43.(Persian)
- 25- Majoosi Ahvazi A. Kamel Al-Sanaieh Al-Tebbieh, Vol.2, Qom: Jaleddin; 2008: pp.287, 587.(Arabic)
- 26- Razi M. *Al-Havi Fi Al-Teb*, Edited & Translated by Zaker M, Vol. 17, Tehran: Traditional Medicine and Medical Acology Research Center; 2016: pp.51-53.(Persian)
- 27- Ibn Sina. *Al-Ghanoon fi Al-Teb*, Beirut: Dar Al-Haya Al-Toras Al-Arabi; 2005: Vol.1: 314, Vol.2: 129, Vol.4: 170,550.(Arabic)
- 28- Ibn Kasir. *Al-Bedayah Va Al-nahayah*, Edited by Torki A: Giza(Egipt); 1997-1999: p.774.(Arabic)
- 29- Ibn Ebri. *Tarikh Al-Zaman*, Translated by Arsalah E, Beirut, 1986: 77.(Arabic)
- 30- Ibn Jowzi. *Al-Montazam Fi Tarikh Al-Molook Va Al-Omam* Vol. 16, Beirut: Unknown Publisher;1940: p.17-18.(Arabic)
- 31- Fazlinejad A. *The global spread of the Black Death in the late Middle Ages*, Shiraz: University of Shiraz; 2017: p.65.(Persian)
- 32- Polo M, Masefield J. *The travels of Marco Polo*, the Venetian. 1908 [cited 2016 Aug 10]. Available from: https://archive.org/stream/marcopolo00polouoft/marcopolo00polouoft_djvu.txt.
- 33- Mirkhand. *Rowzat Al-Safa*, Edited by Zaryabkhoei A, Vol.2, Tehran: Elmi; 1996: p.1039.(Persian)
- 34- Jin P, Raznahan M, The Views of Different Groups on the Treatment of Plague and Cholera in the Safavid Period: An Analysis Based on Historical Texts, *Researches of historical sciences*, 2020; 12(2): 21-42.(Persian)
- 35- Monshi E. *History of Alam-Araye Abbasi*, Vol.2, Tehran: Dar Al-Tabae Agha Seyed Razi; 1896: p.311 .(Persian)
- 36- Bagheri Sh. History of human plague in Iran, *Gilane Ma*, 2011; 11(2): 110.(Persian)
- 37- MatloobKari E. Climate changes and its Role in Sasanian History, *Amardad*, 2018; 20(424): 6.(Persian)
- 38- Ibn Ayas M. *Badye Al-Zohoor fi Vaghaye Al-Dohoor*, Vol 1. Cario: The Egyptian General Book Authority;1992: pp.528-529.(Arabic)
- 39- Al-Zobeidi M. *Taj Al-Aroos men Javeher Al-Ghamoos*, Vol 20. Beirut: Dar Al-Fekr; 1993: p.111(Arabic)
- 40- Jafarian R. *Safavid in the field of religion, culture and politics*, Vol 2. Qom: Research institute of the field and university; 2000: p.776.(Persian)
- 41- Ibn Ghatibe A. *Al-Maaref*, Researcher Servat Okashe. Cario: The Egyptian General Book Authority; 1992: pp.601-602.(Arabic)
- 42- Tatavi N, Ghazvini A. *The thousand-year History of Islam*, Edited by Tabatabai Gh. Vol 2. Tehran: Scientific and cultural publishing company; 2001: p.979.(Persian)
- 43- Lockhart L. *Extinction of the Safavid Dynasty*, translated by Dowlatshahi E. 3rd edition, Tehran: Scientific and Cultural; 1383: p.45.(Persian)
- 44- Awwad K. *Eastern Munitions*, gathering by Atiye J. Vol 5. Beirut: Islamic West House; 1999: p.375.(Arabic)
- 45- Al-Azavi A. Literary Prose and its Sources

- in the Ottoman Era, *Iraqi Scientific Academy*, 1961; 9(1): 211-298.(Arabic)
- 46- Al-Azavi A, Ale Shawi: Soleiman Beyk Ale Shawi and his political facts, *The language of the Arabs*, 1931; 9(5): 361-366.(Arabic)
- 47- Al-Bazy H. *Basrah In The Dark Period*, Baghdad: Basri Publications; 1970: pp.77-78.(Arabic)
- 48- Moghaddasi H. *Dictionary of Medical Terms*, Tehran: Vazhe Pardaz; 1996: pp.140.(Persian)
- 49- Kohn G.C. *Encyclopedia of Plague and Pestilence*, 3rd edition. New York: Infobase Publishing; 2007: pp.299-300
- 50- Account of the 1773 Plague in Bassora, British Library: India Office Records and Private Papers, IOR/L/PS/9/76/79, in (Qatar Digital Library) [cited 2023 September]. Available from: https://www.qdl.qa/archive/81055/vdc_10_0109378711.0x000001.
- 51- Police Gazette, 26 November 1773, p.2. (british newspaper archive) [cited 2023 August]. Available from: <https://www.britishnewspaperarchive.co.uk/search/results/1773-1126?county=london%2C%20england&retrievecountrycounts=false&mostspecificlocation=london%2C%20england&newspaper=title=police%2Bgazette&issueid=bl%2F0000248%2F17731126%2F&sortorder=2®ion=london%2C%20england>
- 52- Amin Al-Vard B. *Incidents in Baghdad in twelve centuries*. Baghdad: Al-Nehzat; 1989: p.226.(Arabic)
- 53- Kasiri M, Afsharifar R. An analysis of the Spread of the Plague in Iran During the term of office and Timurid periods, *Quarterly Journal of the History of Islam and Iran*, 2014; 24(24): 121-138.(Persian)
- 54- Etemad Al-Saltane M. *History of Motazem Naseri*, Edited by Rezvani M, Vol 2. Tehran: The world of books; 1984: p.1172.(Persian)
- 55- Mertens C. "An account of plague which raged in Moscow 1771 (facsimile of 1799 edition)". *Oriental Research Papers*, 1977; 8 (2): 37–127. PMC 1082449.
- 56- Melikishvili A. Genesis of the anti-plague system: the Tsarist period(PDF). *Critical Reviews in Microbiology*, 2006; 36 (1): 19–31. CiteSeerX 10.1.1.204.1976. doi:10.1080/10408410500496763. PMID 16610335. S2CID 7420734.
- 57- Herz Al-Din M. *History of Najaf Ashraf*, Vol 2. Qom: Our Reason Publication; 2006: p.358(Arabic)
- 58- Osman H. S. *Academic studies in the history of modern Kurdistan*, 1rd edition, Dubai: Almanhal ; 2012: 20.(Arabic)
- 59- Aguius D.A. *Seafaring in the Arabian Gulf and Oman People of the Dhow*, New York: Taylor & Francis; 2012; 11
- 60- Hashemi Shahraki A, et al. Plague in Iran: its History and Current Status. *Epidemiology and Health*. 2016, 38: e2016033. doi:10.4178/epih.e2016033. PMC 5037359. PMID 27457063.
- 61- Taghvae Zahmatkesh SH. Historical Geography of Bandar Bushehr, *Research in History*, 2016; 12(7): 37-54.(Persian)
- 62- Boroomand S. *The commercial stagnation of Bushehr and the coast of the Persian Gulf according to the documents of the British East India Company(1790-1800); Proceedings of the National Conference on the role of Documents in Bushehr Historiography*, Bushehr: Clear whispers; 2011: p.19.(Persian)
- 63- Fares A.A. *The British East India Company and its Role in the History of the Arabian Gulf*, Ras Al-Khaimah: Documentaries & Studies Centre; 2001: p.245.(Arabic)
- 64- Robins N. *The company that changed the world*, Translated by Al-Mesri K. Cario: Shorrough International Library; 2009:

- p.179.(Arabic)
- 65- Eghbal Ashtiani A. *Studies on Bahrain and the Islands of the Persian Gulf coast*, Tehran: Asatir; 2005: p.110.(Persian)
- 66- Nami Esfehani M. *Tarikhe Giti Gosha*, Edited by Nafisi S. Tehran: Eghbal; 1938: pp.181-182.(Persian)
- 67- Perry J.R. *Karim Khan Zand*, Translated by Rezaei M, 2rd edition Sari: Nasime Ghalam; 2019: p.125.(Persian)
- 68- Parsons A. *Travels in Asia And Frica*, London: Unknown publisher; 1808: pp.133, 173, 160.
- 69- Cole J. Shi'I Clerics in Iraq and Iran, 1722-1780: The Akhbari-Usuli Conflict Reconsidered, *Iranian Studies*, 1985, 18(1): 21-22
- 70- AbooHakeme A. *History of modern Kuwait(1750-1965)*, Kuwait: Zat Al-Salasel; 1984: p.84.(Arabic)
- 71- Rajaei Gh. *British East India Company and Iran during the Zandiye period*, Tehran: Center for Documents and History of Diplomacy; 2011: p.469.(Persian)
- 72- Leeds Intelligencer, 7 September 1773, p.2(british newspaper archive) [cited 2023 August]. Available from: <https://www.britishnewspaperarchive.co.uk/search/results/1773-09-07?NewspaperTitle=Leeds%2BIntelligencer&IssueId=BL%2F0000236%2F17730907%2F&County=Yorkshire%2C%20Engl and>
- 73- Azazian H. *Brief Historical Overview of the Armenian Communities in the Arab Countries*, Aleppo: Dar Al-Hawar for Publishing and Distribution; 1993: p.98.(Arabic)
- 74- Ale Bassam A. *Treasury of Najdie Dates*, Vol 1. Unknown: Unknown Publisher; 1999: pp.76,181. (Arabic)
- 75- Al-Jumaily Q. *Epidemic History of the Late Ottoman Iraq*, Unknown: Unknown Publisher; 2012: pp.1-16. Available In: https://www.academia.edu/4153385/Epidemic_History_of_the_Late_Ottoman_Iraq
- 76- Rasoul M R. *History of KirKuk from the Belginning of the Nineteenth Century until Becoming Part of the Iraq Monarchy in 1925*, Erfurt: Unknown Publisher; 2017: p.19
- 77- Malek Al-Atebba, *Resaleh Vabaeieh Kabirrh in Rasael Al-naserieh*, Tehran: National Library of Iran(Lithography), 1906, No.10954: pp.11-14.(Persian)
- 78- Khomeyar A & Faghihebahrolloom M. *Pilgrimages of Iraq; Intridaction of Famous Pilgrimage Sites in Iraq*, Vol.2 Tehran: Organization of Hajj and Pilgrimage; the Area of Representation of the Legal Gurdian in Matters of Hajj and Pilgrimage; 2016: pp.174, 197-204 .(Persian)
- 79- Walbridge LS. *The Most Learned of the Shi'a; The Institution of the Maja'Taqlid*, Oxford: Oxford Univesity Press, 2001: p.84.

Persian Plague or Abu Chafchir Plague (1772-1773): Its Origin and Consequences

Reza Karami *¹

1. PhD student of Iranian Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran; Research expert of Hamedan Provincial Medical History Museum and Cultural Collection, Hamedan Provincial University of Medical Sciences, Hamedan, Iran.

Received: 15 September 2023

Accepted: 28 September 2024

Published: 06 October 2024

***Corresponding Author**

Reza Karami

Address: Hamedan, Shahid Mosayeb Majidi Blvd., the beginning of Moradbeig Valley Road, Badi Al-Hakma St., Cultural Complex and Museum of Medical History of Hamedan Province.

Tel: 98 81 38 30 06 52

Email: r.karami6969@gmail.com

Citation to this article:

Karami R. *Persian Plague or Abu Chafchir Plague (1772-1773): its origin and consequences.* Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine. 2024; 17:Article number: 10.

Abstract

Epidemic diseases have historically posed significant threats to human societies, with the plague being one of the deadliest. Between 1772 and 1773, an outbreak of plague, known as Abu Chafchir or Abu Khanjar, occurred in Ottoman Iraq, inflicting severe damage on the local economy. This outbreak spread throughout the Persian Gulf and southern Iran; hence it was also referred to as the Persian plague in European accounts. This study aimed to investigate the effects of this plague on human societies and its scope from various dimensions. The study was conducted using library-based and historical methods with a descriptive-analytical approach. Persian, Arabic, and English resources were extracted from domestic databases as well as the archives of British newspapers and the digital archive of Qatar, as important foreign archives. The findings indicated that Mesopotamia was one of the important centers for the outbreak of the plague, and the Persian plague spread to neighboring countries from this region. The results also revealed that the initial attempts to implement quarantine measures in Iran were made during the Karimkhan Zand dynasty and some preventive measures were taken for the first time in response to this plague. Moreover, the transregional trades and movement of commercial and pilgrimage caravans in these areas increased the spread of this disease. This plague changed the political and economic relations of these regions with other countries and resulted in a dramatic population decline.

Keywords: Persian plague, Abu Chafchir or Abu Khanjar Plague, Zand Dynasty, Ottoman, Iran.

